

نخستین موج جنبش در یک دوران انقلابی



در صفحه ۲

جنبشی که چشم‌انداز شکل‌گیری آن را نشریه کار یک هفته پیش از وقوع آن پیش‌بینی کرده بود، فرارسید. توده‌های مردمی که سال‌ها فشارهای بی‌شمار اقتصادی و سیاسی، ستمگری و بی‌حقوقی را تحمل کرده بودند، به پا خاستند و به مبارزهای علنی، مستقیم و تعرضی روی آوردند. اعتراضات و تظاهرات منفرد چندین ماه گذشته به جنبشی سرا سری فرا روید. تظاهرات، تقریباً تمام ایران را فراگرفت. در متجاوز از ۷۰ شهر، توده‌های زحمتکش مردم، به نبرد علیه ستمگران حاکم بر ایران برخاستند.

شعارهای مرگ بر دیکتاتور، مرگ بر خامنه‌ای، مرگ بر روحانی، کار، نان، آزادی، شعارهای همگانی این جنبش بود. در برخی شهرها، توده‌های زحمتکش مردم، جوانان فقیر و بیکار با یورش به مراکز ستم و سرکوب، خشم و انزجار خود را از نظم موجود به نمایش گذاشتند. توده‌های کارگر و زحمتکش، جوانان بیکار،

طبقه کارگر و خیزش توده‌های شهری

در صفحه ۱۰

در این شماره

اعتراضات مردم و کوس
رسوایی اصلاح‌طلبان

در صفحه ۵

پیام کمیته اجرایی
سازمان فدائیان (اقلیت)
به مردم مبارز و
آزادخواه ایران

در صفحه ۵

اطلاعیه مشترک:
از مبارزات آزادی‌خواهانه
مردم زحمتکش علیه نظم
موجود حمایت کنیم

در صفحه ۷

خلاصه‌ای از اطلاعیه‌های سازمان

در صفحه ۶

جنگ علنی جمهوری اسلامی علیه توده‌های به پا خاسته

کشتار بیش از ۳۰ تن از جوانان مبارز و دستگیری دست کم ۴ هزار نفر از توده‌های معترض توسط نیروی انتظامی و سازمان اطلاعاتی جمهوری اسلامی طی دو هفته گذشته، یک اعلام جنگ علنی علیه جوانان و توده‌های بی‌باخته است. جنگی تمام عیار علیه جوانان بیکار و توده‌های سرکوب شده، توده‌هایی که طی دو هفته گذشته با شعار نان و آزادی و مرگ بر خامنه‌ای علیه فقر و گرانی، دزدی و احتکار و فساد حاکم بر دستگاه دولتی در بسیاری از شهرهای کوچک و بزرگ ایران حماسه آفرینند. یک خیزش انقلابی و عمومی که تمام ستون‌های کاخ ستمگران حاکم بر ایران را به لرزه انداخت. نوع شعارها و گستردگی این خیزش توده‌های ستمدیده علیه نظام فاسد و تبهکار جمهوری اسلامی همانند ریختن آب در خوابگاه مورچگان

در صفحه ۴

جنبشی برای کار- نان - آزادی

چرا می‌توان و باید اعتراضات اخیر را جنبشی برای کار - نان - آزادی نامید؟ ویژگی اعتراضات اخیر چیست و چه چیزی آن را به طور مثال از اعتراضات سال ۸۸ متمایز می‌سازد که می‌توان این نام را بر آن نهاد؟ آیا جنبش کار - نان - آزادی می‌تواند در چارچوب نظام سرمایه‌داری تحقق یابد یا برای تحقق این شعار باید نظم موجود را در هم شکسته و نظامی نوین برپا ساخت؟ و بالاخره این نظم نوین چیست؟

با شروع اعتراضات اخیر، جریان‌ات گوناگون بورژوازی چه در درون اردوی حاکم و چه خارج از آن، نظرات متفاوتی ابراز داشتند. برخی از ارتجاعی‌ترین جناح‌های بورژوازی خارج از کشور که پرچم سلطنت‌طلبی را بردوش می‌کشند حتی پیام‌هایی برای مردم ایران فرستاده و ادعای "رهبری" جنبش را کردند و در این راه

در صفحه ۳

زنده باد آزادی - زنده باد سوسیالیسم

نخستین موج جنبش در یک دوران انقلابی

کمک های مالی

کانادا- ونکوور

۵۰ یورو	دمکراسی شورایی ۱
۵۰ یورو	دمکراسی شورایی ۲
۵۰ یورو	دمکراسی شورایی ۳

سوئیس

۳۰ فرانک	علی اکبر صفایی فراهانی
۴۰ فرانک	سیامک اسدیان (اسکندر)
۳۰ فرانک	حمید اشرف
۵۰ فرانک	محمد کاسهچی
۵۰ فرانک	امیر نبوی

دانمارک

۲۰۰ کرون	هوشنگ احمدی
۲۰۰ کرون	دکتر نریمسا
۲۰۰ کرون	خروش (ژانویه)

سوئد

۲۰۰ کرون	سوسیالیسم و آزادی
----------	-------------------

تهیدستان شهرها، نیروی محرک این جنبش بودند. ترکیب طبقاتی جنبشی که از اعماق جامعه جوشید و شعارهای رادیکال آن، به‌موضوع خصلت و مضمون انقلابی این جنبش را بازتاب داد.

تظاهرات توده‌ای، حدود ده روز دوام آورد و اکنون ظاهراً جنبش فروکش کرده است. رژیم ستمگر حاکم بر ایران، ده‌ها هزار تن از مزدوران مسلح خود را به جنگ توده‌های زحمتکش مردم ایران فرستاد. مردم را در شهرهای مختلف به گلوله بست و به خاک و خون کشید. لاقلاً ۳۰ تن از مبارزان جان خود را از دست دادند. صدها تن زخمی شدند. حدود ۴ هزار تن دستگیر و به اسارت گرفته شدند. رژیم جمهوری اسلامی با این وحشی‌گری علیه میلیون‌ها تن از مردم به پا خاسته ایران، یکبار دیگر افسانه دشمن خارجی را که همواره در بوق‌های تبلیغاتی خود می‌دمد، برملا کرد. نشان داد که دشمن واقعی‌اش، توده‌های زحمتکش مردم ایران هستند.

پس‌ازاین سرکوب وحشیانه و ظاهراً فروکش تظاهرات، سران و مقامات رژیم، شادمانه پیروزی بر دشمن را جشن گرفته‌اند. آن‌ها به زبان مرتجعین، فتنه را پایان‌یافته اعلام کردند. اما این‌یک خیال باطل است. آنچه در طی ده روز در ایران رخ داد و صدها هزار تن از توده‌های زحمتکش به نبرد تعرضی علیه ستمگران روی آوردند، اول کار است. چرا که موج نخستین جنبش، در دورانی است که تازه آغاز شده است. با این جنبش، دوره جدیدی در زندگی سیاسی مردم ایران گشوده شده است.

مختصات این دوران، که باید از آن به‌عنوان یک دوران انقلابی نام برد، در این است که تضادهایی که در طول چند دهه انباشته‌شده بودند، سرانجام، در بالاترین نقطه ستیز، منفجر شدند. دورانی از زندگی سیاسی غیرفعال، همراه با شکل‌های مبارزه سطح پائین و قانونی با مطالباتی برای بهبود در چارچوب نظم موجود به پایان رسید و جای خود را به زندگی سیاسی فعال، با مبارزات سیاسی علنی، مستقیم و تعرضی داد. تغییری کیفی در رفتار و روحیات توده‌ها رخ داد. آن‌ها بر ترس ناشی از سرکوب غلبه کردند و فعال و رزمنده، وارد درگیری با رژیم حاکم شدند. مبارزات پرده‌مانه و سراسری توده‌های زحمتکش به‌موضوع نشان داد که این همان دوران تغییر و تحولات سریع و چرخش‌های بزرگ در تاریخ ملت‌هاست. دورانی که حادثترین درگیری‌ها و مبارزات را به همراه خواهد داشت.

این دوران، همراه با یک بحران سیاسی آغاز شده است که متمایز از تمام بحران‌های سیاسی چندین دهه گذشته است. ابعاد وسیع توده‌هایی که خود

جوش، به عرصه مبارزه سیاسی فعال روی آوردند و شعارهایی را که سرداندند، نشان داد که این بحران، دارای محتوی و مضمونی انقلابی است، یعنی نفی نظم موجود را می‌طلبد. میلیون‌ها تن از مردم ایران که به تظاهرات روی آوردند، آشکارا نشان دادند که دیگر هیچ توهمی به تحقق خواست‌هایشان در چارچوب نظم موجود ندارند و خواهان برچیدن آن هستند. از همین روست که مبارزه نیز شکلی نه قانونی، بلکه فراقانونی و انقلابی به خود گرفت.

این‌که می‌گوییم دوره‌ای انقلابی در ایران آغاز شده است، فقط به این معناست که دوره جدیدی در زندگی سیاسی و مبارزاتی کارگران و زحمتکشان و تمام توده‌های تحت ستم، همراه با تغییری جدی در روحیات و رفتار توده‌ها برای نفی نظم موجود فرارسیده است. این اما بدان معنا نیست که تمام شرایط عینی و ذهنی برای برانداختن جمهوری اسلامی و سرنگونی طبقه سرمایه‌دار حاکم فراهم شده است. جنبش هنوز باید یک‌رشته مراحل و اشکال مبارزاتی را طی کند و زیر فشار خود، شکافی عمیق در طبقه حاکم و دستگاه دولتی ایجاد نماید تا اعتلای محدود نخستین مراحل دوران انقلابی، به یک موقعیت انقلابی بیانجامد. اگر به تجربه دوران سرنگونی رژیم سلطنتی رجوع کنیم، از اواخر سال ۵۶ است که دوران انقلابی ظاهر می‌شود، در شهریورماه سال ۵۷، موقعیت انقلابی شکل می‌گیرد و در بهمن همان سال است که قیام مسلحانه رخ می‌دهد. همین تجربه نشان داد که شکل پیشروی و عقب‌نشینی جنبش و مبارزات، در این دوران، موج‌وار است. هر پیشروی با یک عقب‌نشینی همراه است، پی آمد این عقب‌نشینی نیز موجی قدرتمندتر و بلندتر خواهد بود. در فاصله این دو مرحله، مبارزات محدودتری رخ خواهد داد. این روند ادامه می‌یابد تا وقتی‌که کارگران به عنوان یک طبقه در این جنبش حضور یابند. تمام خفتگان و توده‌های نا آگاه، بیدار شوند. به جنبش بپیوندند، جنبش شکل کاملاً سازمان‌یافته‌ای به خود بگیرد و مبارزه به عالی‌ترین اشکال، از نمونه اعتصابات عمومی اقتصادی و سیاسی، و سرانجام اعتصابات سرا سری سیاسی و قیام مسلحانه تکامل یابد. البته در تمام این مراحل نقش سازمان‌یافتگی، آگاهی و رهبری جنبش از یک‌سو، و تاکتیک‌های طبقه حاکم از سوی دیگر، هر یک می‌توانند نقش و تأثیر خود را در روند این جنبش داشته باشند. این واقعیتی است که جمهوری اسلامی و تمام جناح‌های آن‌چنان رسوا و ورشکسته‌اند که تنها راه بقاء خود را در تشدید سرکوب می‌بینند و این یگانه تاکتیک و استراتژی آن‌ها برای مقابله با جنبش انقلابی است. اما فراموش نباید کرد که بورژوازی ایران از حمایت بورژوازی

اپوزیسیون و قدرت‌های امپریالیست نیز برخوردار است. وقتی‌که جمهوری اسلامی دیگر قادر به مقابله با جنبش نباشد، آن‌ها تاکتیک‌ها و بدیل‌های دیگری هم دارند. بی‌دلیل نیست که هم‌اکنون برخی گروه‌های اپوزیسیون بورژوازی، از جمله سلطنت‌طلبان، ارتش را به یاری طلبیده‌اند. خطرات در برابر جنبش فراوان‌اند و جنبش باید در هر مرحله با آن‌ها مقابله و بر آن‌ها غلبه کند.

اما تا جایی که به جنبش انقلابی در مرحله کنونی بازمی‌گردد، نه کسی باید دچار این توهم بوده باشد که موج نخست این جنبش به‌رغم تمام مقاومت، وسعت و خصلت تعرضی آن می‌توانست تا سرنگونی رژیم، بدون وقفه ادامه یابد و نه این‌که با فروکش کنونی تظاهرات، جنبش به پایان رسیده باشد. خصلت انقلابی دورانی که فرارسیده است به ما می‌گوید که این فروکش کنونی جنبش، موقتی است و چیزی نخواهد گذشت که موج دوم و قدرتمندتر آن با اشکال عالی‌تری از مبارزه فرا خواهد رسید. بنابراین از هم‌اکنون باید شعارهای موج دوم جنبش، ایجاد کمیته‌های اعتصاب و برپائی اعتصابات را وسیعاً به میان توده‌های کارگر و زحمتکش برد.

زنده باد استقلال طبقاتی کارگران

جنبشی برای کار- نان - آزادی

اینها ریشه اعتراضات اخیر هستند که در شعارهای معترضان نیز به خوبی شنیده می‌شوند. میلیون‌ها بیکار خواستار کار هستند. میلیون‌ها گرسنه خواستار نان هستند و همان‌ها باز خواستار آزادی هستند. قریب به اتفاق شعارها همچون: کار نان آزادی، مرگ بر دیکتاتور، مرگ بر گرانی، مرگ بر بیکاری و غیره بیان‌گر همین مساله است.

اگر در سال ۸۸ جناح "اصلاح‌طلب" تا حدود زیادی رهبری اعتراضات را با طرح شعارهایی در رابطه با "انتخابات ریاست جمهوری" در دست گرفت، این بار شعار توده‌ها حاکی از نفی کلیت نظام جمهوری اسلامی بود. شعار مرگ بر روحانی، در کنار شعار مرگ بر خامنه‌ای و دیگر شعارهایی که علیه اصلاح‌طلبان سر داده شد، بیان‌گر همین مساله است.

اگر در سال ۸۸ بیشتر خردبوروژوازی شهری بویژه در شهرهای بزرگ میدان دار اعتراضات بود، این بار جوانان بیکار و به ستوه آمده از ظلم نظام حاکم میدان‌دار اعتراضات هستند. برای همین بود که بویژه در شهرها و استان‌هایی که فقر و بیکاری بیشتر است، شاهد خروش خشمگینانه‌تر و توده‌ای معترضان بودیم، شهرهایی همچون ایذه، دورد، تویسرکان و غیره.

بنابر این، این جنبش، جنبشی برای کار - نان - آزادی‌ست و این جنبش به دلیل ریشه‌های واقعی آن، نه تنها خاموش خواهد شد، بلکه هر بار توده‌های بیشتری را از میان کارگران و زحمتکشان همراه خود خواهد ساخت. اما این جنبش در تداوم خود، ضمن فراگیرتر، عمیق‌تر و متنوع‌تر شدن نوع اعتراضات، به یک سوال مهم دیگر باید پاسخ دهد. جنبش تا هم اکنون به این سوال پاسخ داده است که تحقق کار - نان - آزادی در چارچوب جمهوری اسلامی ممکن نیست و شعار مرگ بر جمهوری اسلامی بیان همین آگاهی‌ست. اما چگونه می‌توان به کار - نان - آزادی تحقق بخشید؟ پاسخ ما به آن حکومت شورایی کارگران و زحمتکشان است. هیچ دولت بورژوازی (دیکتاتوری بورژوازی) چه در شکل پارلمانی آن (رفراندوم - مجلس موسسان) و چه در شکل فردی آن (سلطنت) قادر به پاسخ به این خواست کارگران و زحمتکشان نیست. بنابراین شعار کار - نان - آزادی می‌باید به شعار کار - نان - آزادی - حکومت شورایی فرا رود.

به سال ثروتمندتر می‌شوند. در واقع افزایش فقر اکثریت بزرگ جامعه، نتیجه‌ی ثروتمندتر شدن این گروه بسیار کوچک است. گروهی که با هزاران رشته پیدا و ناپیدا با حاکمیت پیوند دارد. فساد گسترده و کم‌نظیر کنونی در میان طبقه حاکم نیز نتیجه‌ی همین روابط است. فساد که امروز در تاروپود دستگاه حاکم ریشه دوانده و همه‌ی مزدوران رژیم از سر تا نوک پا به آن آلوده‌اند. عوامل و مزدوران رژیم یا خود به بزرگ‌ترین سرمایه‌داران کشور تبدیل شده‌اند یا با بهره‌گیری از موقعیت خود در دستگاه‌های سرکوب و بوروکراسی در ناز و نعمت زندگی می‌کنند.

بحران اقتصادی و نتایج آن همچون فقر و بیکاری، همچنین منجر به بحران‌های اجتماعی متعدد عمیقی شده است. میلیون‌ها کودک کار و خیابان، تن‌فروشی، اعتیاد، افزایش خودکشی و دیگر معضلات اجتماعی همه ریشه در همین نابرابری‌ها دارند.

سال‌ها اعتراضات توده‌ها به وضعیت جاری نیز با سرکوب رژیم روبرو شده است. رژیم هرگونه صدای مخالفی را - حتا اگر انتقادی در چارچوب سیستم حاکم بوده - با قهر پاسخ داده است. سرکوب اعتراضات کارگران و معلمان یک نمونه آن است و سرکوب خونین اعتراضات سال ۸۸ نمونه‌ای دیگر. ممنوعیت ایجاد تشکل‌های سیاسی مخالف و یا تشکل‌های صنفی کارگری و غیره باز یک نمونه دیگر. برای رژیم حتا مثلا آب بازی در پارک و شادی جوانان یک مخالفت سیاسی محسوب شده و دست‌های پنهان "اسرائیل، آمریکا و عربستان" را در آن می‌بیند. دوجرخه سواری زنان نیز از همین جمله است. بسیاری از کارهایی که در کشورهای دنیا معمول است در ایران مخالفت سیاسی محسوب شده و توسط رژیم سرکوب می‌شود. این فضای واقعی اختناق و دیکتاتوری در ایران است.

در چنین شرایط بحرانی، سیاست خارجی رژیم به یک عامل دیگر در تشدید بحران و گسترش فقر تبدیل شده است. تمام درآمدهای دولت که حاصل کار کارگران است یا نصیب دستگاه‌های سرکوب و تحمیق مذهبی شده و یا خرج جنگ و جاهطلبی‌های منطقه‌ای رژیم در سوریه، لبنان، عراق، یمن و غیره می‌شود.

از تبلیغات وسیع رسانه‌های تحت تسلط دول امپریالیستی نیز برخوردار شدند. "سازمان مجاهدین خلق" نیز به عنوان بخش دیگری از این ارتجاع که همان ادعاها را دارد، از این حمایت کموبیش - صدای آمریکا - برخوردار شد.

برخی دیگر از جناح‌های بورژوازی خارج از کشور که باز از امکانات رسانه‌ای دول امپریالیستی بهره‌مند هستند - بویژه بی بی سی - با پناه گرفتن در پشت شعارهایی همچون "رفراندوم"، تا آنجا پیش رفتند که "ناصحانه" خواستار کناره‌گیری حاکمان کنونی از قدرت و واگذاری قدرت به "معتمدان مردم" تا برگزاری "رفراندوم" و انتخابات "پارلمانی" شدند.

اما جناح اصلی بورژوازی حاکم و در راس آن خامنه‌ای مثل همیشه در قامت "دائی‌جان ناپلئون" فرو رفت و با "فتنه" نامیدن اعتراضات توده‌ها، و "اشغال" خواندن معترضان، از عربستان و اسرائیل و آمریکا و غیره به عنوان عاملان اصلی فتنه نام برد. نکته جالب ماجرا اما "اصلاح‌طلبان" بودند که با شعارهایی همچون "مرگ بر جمهوری اسلامی" و "اصولگرا، اصلاح‌طلب، دیگه تموم ماجرا" به همان تحلیل‌های "کپهان شریعتمداری" رسیدند و پای "فتنه آمریکایی و صهیونیستی و غیره" را در اعتراضات توده‌ها دیدند.

اما واقعیت چیست؟ جامعه ایران دچار بحران عمیقی‌ست و رژیم جمهوری اسلامی در طول تمام این سال‌ها نه تنها راه حلی برای مقابله با بحران نداشته، بلکه به دلایل متعددی خود به عامل تشدید آن تبدیل شد. رژیم اگر چه با سرکوب، نیرنگ و رنگ عوض‌کردن‌های متوالی، تاکنون از سرنوشتی نظام توسط توده‌ها جلوگیری کرده، اما تداوم و تعمیق بحران باعث تلنبار شدن خواست‌های توده‌هایی گردیده است که با کمترین اتفافی خشمشان زبانه کشیده و به صورتی ویرانگر نظام حاکم را به چالش می‌کشند.

اما ریشه این بحران در کجاست و خواست‌های توده‌ها کدامند؟

بحران اقتصادی حاکم منجر به رانده شدن اکثریت بسیار بزرگی از جامعه به زیر خط فقر شده است. یکی از نتایج این بحران، بیکاری حداقل ده میلیون نیروی آماده به کار است که هیچ امیدی به آینده ندارند. بحران هم چنین باعث بیکاری و رانده شدن صدها هزار کارگر به خیابان‌ها شده است. نتیجه‌ی بی‌حقوقی و سرکوب خواست‌های کارگران، معلمان، پرستاران و دیگر زحمتکشان جامعه در طول این سال‌ها، تحمیل فقر بیشتر و استثمار شدیدتر بوده است. دستمزدهای واقعی کارگران سال به سال کاهش یافته و فقر چهره‌ی سیاه خود را به وحشیانه‌ترین شکلی نمایان ساخته است. هم اکنون دستمزد میلیون‌ها کارگر با تعویق پرداخت می‌شود و کسی هم پاسخ‌گوی آن‌ها نیست. اگر کارگری هم اعتراض کند، اخراج شده و به جای او کارگر دیگری به کار گرفته می‌شود. و این همه در حالی‌ست که بخش بسیار کوچکی از جامعه سال



جنگ علنی جمهوری اسلامی علیه توده های به پا خاسته

اندکاران این رژیم مستبد و فاسد پیش از اینکه دستگیر و زندانی شوند، توسط توده سرکوب شده نابود می شوند. چرا که در یک موقعیت انقلابی و به هنگام وقوع یک قیام مسلحانه توده ای همانند قیام ۲۲ بهمن ۵۷، هیچ سازمان و نیرویی قادر نخواهد بود خشم انقلابی جوانان و نفرت فرو خفته توده های قیام کننده را نسبت به آمران و عاملان ۴ دهه کشتار و جنایت مهار کنند. جنایتکارانی که نام و چهره هایشان در هر شهر و روستا برای عموم توده های ستمدیده شناخته شده است.

جمهوری اسلامی و سران آدمکش آن با چنین پیشینه و وضعیت مرگباری که برای خود فراهم کرده اند، بجز رو در رویی با توده ها راه دیگری برای خود نگذاشته اند. مرگ سینا قنبری (۲۳ ساله)، وحید حیدری (۲۴ ساله)، محسن عادل (۲۳ ساله)، سارو قهرمانی (۲۴ ساله) در زندان های جمهوری اسلامی و مفقود شدن تعداد دیگری از دستگیرشدگان از جمله اشکان آسواران یک خطر جدی برای جان بقیه بازداشت شدگان است. خطری که تا همین لحظه نیز از فاجعه مرگ دستگیرشدگان سال ۸۸ در بازداشتگاه کهریزک به مراتب فراتر رفته است. پوشیده نیست که در موقعیت فعلی، طبقه حاکم و تک تک افراد مزدوران این نظام سرکوبگر، با کشتار جوانان در خیابان ها و دستگیری های چند هزار نفری و سپس به قتل رساندن آنان در شکنجه گاه های مخوف، صرفاً به دلیل ایجاد رعب و وحشت در جامعه کشتار نمی کنند. دیوار رعب و وحشتی را که جمهوری اسلامی طی سالیان دراز بنا کرده است، چندی است ترک برداشته و در حال فرو ریختن است. واکنش و عملکرد جمهوری اسلامی نسبت به خیزش انقلابی جوانان و توده های جان به لب رسیده مردم طی روزهای اخیر، گویای این حقیقت است که طبقه حاکم، توده های رنجیده و زحمتکش ایران را به مثابه "دشمن" می نگرد و برای مقابله با لشکرکارگران و زحمتکشان، تهیدستان و عموم ستم دیدگان صف آرایی کرده است. بنابراین، لازم است تا ما کارگران، جوانان، زنان، معلمان و عموم توده های زحمتکش نیز خود را برای نبردهای قهرآمیز و سرنوشت ساز با این دشمن سرکوبگر آماده کنیم.

با اعتراضات توده ای بوده است، اما در این شرایط معین، سیاست جمهوری اسلامی بسیار فراتر از ایجاد رعب و وحشت در جامعه است. اینبار اما، رهبران تبهکار نظام و طبقه حاکم علاوه بر ایجاد رعب و وحشت، سیاست بنیادی شان بر پایه سازماندهی یک جنگ علنی تمام عیار علیه زحمتکشان، جوانان و توده های عصبانزده استوار است. سیاستی که در آینده بیشتر بر آن متمرکز خواهند شد.

کشتار جوانان در خیابان ها و بازداشت های بسیار گسترده و به قتل رساندن دستگیرشدگان در زیر شکنجه های مرگ آور که اسامی شان یکی پس از دیگری اعلام و پیکر شکنجه شده آنان تحویل خانواده ها داده می شود، اینبار بسیار فراتر از وقایع کهریزک است. همه این اقدامات سرکوبگرانه گوشه هایی از اعلام جنگ علنی رژیم جمهوری اسلامی علیه توده های جان به لب رسیده است. جمهوری اسلامی، هم اینک در وضعیتی است که خطر ساقط شدن خود را به دست نیروی پرتوان طبقه کارگر، جوانان پر شور و خشمگین، زنان سرکوب شده و توده های زحمتکش جامعه به خوبی احساس کرده است. وضعیت پیش آمده برای حاکمان جمهوری اسلامی یک زنگ خطر بسیار جدی بوده است. چرا که، تمامی سران و دست اندرکاران این نظام مستبد و ارتجاعی به خوبی بر این امر واقف اند که با یک خیزش همگانی تر و در شرایطی که جنبش به مرحله عالی تری ارتقاء یافته باشد، تمامی دم و دستگاه این نظام توسط همین مردم و توده های ستمدیده نابود می شوند. به دلیل وسعت کشتارها و سرکوبی که هیئت حاکمه ایران طی چهار دهه بر توده ها روا داشته اند، آنان بهتر از هر کسی می دانند که در یک خیزش عمومی که به قیام مسلحانه توده ای منجر شود، هیچ روزنه امیدی برای زنده ماندن هیچ کدام از جانیان جمهوری اسلامی وجود ندارد.

به رغم اینکه کلیت سازمان های سیاسی بر لغو اعدام تاکید دارند و برای تحکیم و تثبیت لغو اعدام در قوانین جزائی و قضایی کشور پیگیرانه مبارزه می کنند، با این همه رهبران جمهوری اسلامی بر این امر به خوبی واقف اند، که همزمان با ساقط شدن کامل این نظام و انحلال دستگاه های بوروکراتیک دولتی آن، تمامی دست

بود، که به یکباره رهبران و تمامی دست اندر کاران جمهوری اسلامی را به وحشت انداخت. سراسیمگی و بهت زدگی دستگاه های دولتی اولین مشخصه آشکار هیئت حاکمه ایران در نخستین روزهای مواجهه با موج اعتراضات جوانان و توده های ستمدیده بود. سرکوب، کشتار و دستگیری وسیع جوانان بپا خاسته، واکنش بعدی دولت بود که عمدتاً با سکوت مسئولان حکومتی و بدون تبلیغات علنی نیروی های سرکوبگر و اطلاعاتی عملیاتی شد.

بهت و سراسیمگی هیئت حاکمه اما، با سخنان چند دقیقه ای خامنه ای در روز ۱۲ دی ماه مبنی بر اینکه "در قضایای روزهای اخیر، دشمنان ایران با ابزارهای گوناگون در اختیارشان از جمله پول، سلاح، سیاست و دستگاه امنیتی هم پیمان شدند تا برای نظام اسلامی مشکل ایجاد کنند"، پایان یافت و به اعلام جنگی علنی علیه توده های معترض تبدیل شد. با این همه، در شرایطی که بازداشت گسترده معترضین همراه با کشتار توده های بپا خاسته در ابعاد کم سابقه ای پیش می رفت، مسئولان امنیتی رژیم اما، از اعلام تعداد کشته ها و بطور اخص از آمار دستگیرشدگان خودداری می کردند. پیشبرد این سیاست هیئت حاکمه، تماماً برگرفته از وحشت آنان از بیشتر شعله ور شدن خشم و عصبان جوانان و توده های بپا خاسته بود.

اعلام قطره چکانی آمار بازداشت شدگان که با اعلام رسمی ۷۰۰ نفر در روز پنجم اعتراضات شروع شد و در روزهای بعد به تعداد ۹۰۰، ۱۲۰۰ و ۱۷۰۰ تن رسید و سرانجام محمود صادقی نماینده مجلس ارتجاع از دستگیری ۳۷۰۰ نفر پرده برداشت، خود دلیل روشنی بر وحشت هیئت حاکمه نسبت به واکنش خشم آگین جوانان و توده های معترض نسبت به اقدامات سرکوبگرانه آنان بود. در واقع دستگاه امنیتی جمهوری اسلامی به رغم اعلام جنگ علنی به مردم بپا خاسته، نگران بود که مبادا در آن شرایط معین که خیزش انقلابی توده های جان به لب رسیده هر روز ابعاد بیشتری می یافت، اعلام علنی و رسمی آمار کشته ها و تعداد دستگیرشدگان به جای ایجاد رعب و وحشت در دل توده های بپا خاسته، موجب خشم و عصبانگری بیشتر آنان گردد.

این نگرانی هیئت حاکمه ایران علاوه بر سرعت و گستردگی خیزش عمومی مردم، ریشه در شرایط بحرانی رژیم و ناتوانی آن در پاسخگویی به انبوه مطالبات تل انبار شده کارگران، جوانان و توده های فقر زده داشت. وضعیتی که همانند آتش زیر خاکستر هر لحظه در حال شعله ورتر شدن است. پوشیده نیست، بحران و گردابی که جمهوری اسلامی اکنون در آن دست و پا می زند، بسیار متفاوت با وضعیت سال های دهه ۶۰ است.

جمهوری اسلامی هم اینک در شرایط سال های دهه ۶۰ نیست که صرفاً برای ایجاد رعب و وحشت در جامعه دست به سرکوب و کشتار می زد. به رغم اینکه اقدام به کشتار، سرکوب و ایجاد رعب و وحشت در جامعه همواره سیاست استراتژیک هیئت حاکمه در مواجهه

کار - نان - آزادی  **حکومت شورائی**

رژیم جمهوری اسلامی

را باید با یک اعتصاب عمومی

سیاسی و قیام مسلحانه بر انداخت.

زنده باد آزادی - زنده باد سوسیالیسم  

اعتراضات مردم و کوس رسوایی اصلاح‌طلبان

سرانجام، جرقه‌های خرمن خشم و استیصال توده‌های مردم را برافروخت. از ۷ دی ماه، هزاران نفر در شهرهای کوچک و بزرگ به خیابان‌ها آمدند تا به گرانی، به فقر، به بیکاری، به فساد سیستماتیک، به استبداد و سرکوب اعتراض کنند. اعتراضاتی که با توجه به انباشته شدن مطالبات مردم و ناتوانی رژیم جمهوری اسلامی در پاسخ‌گویی به این مطالبات، دور از انتظار نبودند. گرچه هیچ‌گاه نمی‌توان زمان و مکان دقیق جرقه و آغاز خیزش مردمی را پیش‌گویی کرد، اما، سازمان فداییان (اقلیت) یکی از معدود سازمان‌هایی بود که با روشن‌بینی سیاسی و تحلیل دقیق از اوضاع اقتصادی، سیاسی و اجتماعی ایران وقوع این اعتراضات را انتظار داشت. چنان‌که یکی از مقالات نشریه کار، ارگان سازمان فداییان (اقلیت) با عنوان "ویژگی لحظه کنونی اوضاع سیاسی در ایران"* با بررسی تغییرات اخیر در توازن قوای سیاسی و صف‌بندی‌های طبقاتی به روشنی، نزدیکی یک "بحران انقلابی" را پیش‌بینی کرده بود.

اعتراضاتی که با شعار "مرگ بر گرانی" و "مرگ بر روحانی" آغاز شده بود، طی چند روز در گوشه و کنار کشور خامنه‌ای، فساد نهادینه در نظام، سیاست‌های خارجی و منطقه‌ای، سیاست‌های اقتصادی، ارگان‌های تحمیق مذهبی و دستگاه‌های سرکوب را نیز هدف قرار دادند. این مردم معترض به شعار اکتفا نکردند و با حمله به مراکز دولتی و در برخی شهرها به مراکز مذهبی و خانه امام‌های جمعه و پایین کشیدن و آتش زدن بنرها و عکس‌های خامنه‌ای و خمینی و حنا آتش زدن پرچم جمهوری اسلامی، تمامی خط قرمزهای رژیم را زیر پا گذاشتند.

از جنبه‌های بارز اعتراضات اخیر آن بود که کوس رسوایی اصلاح‌طلبان بر سر هر کوی و برزنی نواخته شد. چرا که این مدعیان "حقوق شهروندی" و "فضای باز سیاسی" که پیش از آن سرمست از پیروزی خود در فریب مردم و کشاندن آنان به پای صندوق‌های رأی بودند، به یکباره با مردمی روپرو شدند که از توهمات اصلاح‌طلبانه درگذشته و به آنان هشدار می‌دادند: "اصلاح‌طلب، اصول‌گرا، دیگه تمومه ماجرا"، بنابراین هراسیده و شتابان به زیر عباي اصول‌گرایان خزیدند و همدستان با جناح دیگر حکومت خواهان پایان دادن به "اغتشاشات" و سرکوب "اغتشاش‌گران" شدند.

روحانی در دهم دی ماه در همان حال که در سخنان علنی خود اشک تمساح می‌ریخت و به "حق مردم در اعتراض" و مشکلات آنان اعتراف می‌کرد، از "تخریب" و "خشونت" انتقاد کرد. اما منظورش خشونت نیروهای سرکوبی نبود که به مقابله با مردم فرستاده بود و تا همان زمان چندین نفر را کشته و زخمی و بسیاری را دستگیر کرده بودند. بلکه منظورش مردم خشمگینی بود که در برابر خشونت

نیروهای انتظامی و بسیج رژیم از خود دفاع می‌کردند. کم نبودند اصلاح‌طلبانی که مردم را "اغتشاش‌گر"، عامل دست بیگانگان و فریب‌خورده "سلطنت‌طلبان" و "مجاهدین" نامیدند، مانند عباس عبدی که دو روز نگذشته، خواهان برخورد شدید با مردم شد. هاشمی طبا آنان را "خرابکار" توصیف کرد. مجمع روحانیون مبارز که ۱۱ دی با حضور محمد خاتمی تشکیل جلسه داد، در بیانیه خود، مردم را "عناصر فرصت‌طلب و عوامل آشوب‌گری" نامید که "اهداف پلید دشمنان را دنبال می‌کنند". "حزب ندای ایرانیان" که از کشته و زخمی شدن و دستگیری مردم "قلبش به درد نیامده بود"، مدعی شد که "این اغتشاشات... قلب هر انسانی که دل در گرو توسعه کشور را دارد به درد آورده است" و خواهان محاکمه دستگیرشدگان شد. و این مشت‌ی است از خرواری هرزه‌گویی مدعیان اصلاح‌طلبی علیه مردمی که بر اثر سیاست‌های فاجعه‌بار اقتصادی، سیاسی و اجتماعی خود آنان در چنبره فقر و تنگدستی و بیکاری و استبداد گرفتار آمده‌اند و این بار نه فریفته و متوهم به آنان، بلکه با مطالبات واقعی خود به میدان آمده بودند. آن عده‌ای نیز که خودداری بیش‌تری از خود نشان دادند و با فروکش اعتراضات به ظاهر به "هدم‌لی" با مردم برخاستند، با استفاده از همان ادبیات سرکوب، به اعتراضات مردمی تاختند و آن را روشی "نامناسب" برای طرح مطالبات خواندند و خواهان "کسب مجوز" و "اعتراضات مدنی" شدند. حتا گروه‌های خودی، اما خارج از قدرت رژیم نیز فرصت را از دست ندادند. برای نمونه، "حزب اعتماد ملی"، "برخی شخصیت‌ها و نهادهای حاکمیتی و حکومتی" را مسئول این وضعیت اعلام کرد و اعتراضات خیابانی را "فرصتی برای جهان‌خواران بین‌المللی و سوء استفاده کنندگان داخلی" توصیف کرد و خواهان هم‌گرایی "نخبگان سیاسی" و اتخاذ "روش‌های مسالمت‌آمیز" شد. گویی "نخبگان سیاسی" جمهوری اسلامی، هر چند امروزه مغضوب جناح حاکم، در ایجاد شرایط وخیم معیشتی و سیاسی امروز مردم نقشی نداشته‌اند.

با وجود این باید گفت، اگر یکی از اتهامات این تاریک‌اندیشان بدکنش علیه مردم خشمگین و به تنگ آمده از ظلم و ستم چندین دهه جمهوری اسلامی حقیقت داشته باشد، اتهام "برانداز" و "ساختارشکن" است. مردم در این اعتراضات هر چند خودجوش و سازمان نیافته، در شعارها، اشکال مبارزه و آماج خشمشان، بلوغ سیاسی و آگاهی کم‌نظیری از خود نشان دادند. سران ریز و درشت رژیم نیز می‌دانند که این جنبش، با تمام اوج و فرودهایش، به سرنگونی رژیم خواهد انجامید و این رژیم و تمامی برپاکندنگان نظام ننگ و جنایت، ظلم و ستم را به زباله‌دان تاریخ خواهد سپرد.

زیرنویس:

* <http://fadaian-aghaliyat.org/>

p=12895

پیام کمیته اجرایی سازمان فدائیان (اقلیت) به مردم مبارز و آزادخواه ایران

مردم مبارز و آزادیخواه ایران!

اعتراضات خیابانی پرشور و گسترده شما در شهرهای مختلف کشور، ستون‌های اصلی کاخ ستم‌گران و مرتجعین را به لرزه انداخته و خواب از چشم آن‌ها ربوده است. خیزش دل‌ورانه و شور و اشتیاق شما برای پایان دادن به وضعیت فلاکت‌باری که جمهوری اسلامی به بار آورده است، در تمام جهان طنین افکنده و در رأس اخبار رسانه‌های خبری قرار گرفته است.

کمیته اجرایی سازمان فدائیان (اقلیت) از مبارزه شما زنان و جوانان و عموم زحمتکشان رنج‌دیده‌ای که از فقر و گرانی و ستم و بیکاری به تنگ آمده‌اید، علیه تبعیض و نابرابری به‌پا خاسته و برای آزادی و رفاه و برابری چنگ در چنگ رژیم دزد و غارت‌گر جمهوری اسلامی افکنده‌اید، با تمام توان خود حمایت می‌کند.

خیزش قدرتمند شما توده‌های مردم ایران، علیه مشت‌ی انگل مفت‌خور و استثمارگر که بر تمام شریان‌های اقتصادی و ثروت‌های جامعه چنگ انداخته و اکثریت کارگران، معلمان، پرستاران، بازنشستگان و سایر اقشار زحمتکش را به زندگی در زیر خط فقر رانده‌اند، مبارزه‌ای برحق و مورد پشتیبانی تمام مردم زحمتکش جهان است. به این مبارزه که بر پرچم آن شعار "کار و نان و آزادی" آذین بسته است، با تمام نیرو باید ادامه داد تا جنبش اعتراضی خیابانی، با جنبش اعتصابی کارگران، معلمان، پرستاران و سایر زحمتکشان همراه شود و با رژیم فاسد و مستبد جمهوری اسلامی تعیین تکلیف کند.

سازمان فدائیان (اقلیت) با تمام توان خود در کنار شماست و از مبارزات و مطالبات شما مردم زحمتکش قویاً دفاع و پشتیبانی می‌کند. رژیم جمهوری اسلامی رفتنی ست و باید سرنگون شود و شما توده‌های زحمتکش مردم ایران می‌توانید و باید حکومت شورائی خود را مستقر سازید و سرنوشتان را، خود در دست بگیرید.

به امید پیروزی کارگران و زحمتکشان

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی-

برقرار باد حکومت شورائی

کمیته اجرایی سازمان فدائیان (اقلیت) - دهم

دی‌ماه نود و شش

خلاصه ای از اطلاعیه های سازمان

در فاصله میان نشریه کار شماره ۷۵۶ تا شماره ۷۵۷ سازمان فدائیان (اقلیت) چهار اطلاعیه صادر کرد که بخش هایی از اطلاعیه ها را در این شماره می خوانید.

"خانواده های دستگیرشدگان و جانفشانان خیزش های مردمی را تنها نگذاریم" عنوان اولین اطلاعیه است که در تاریخ ۱۱ دی ۱۳۹۶ منتشر گردید. در این اطلاعیه با توجه به آمار دستگیری های گسترده توده های بپا خاسته آمده است: جمهوری اسلامی و نیروهای انتظامی سرکوبگرش که در سه روز اول اعتراضات مردمی، و انمود می کردند که صدای اعتراض توده های جان به لب رسیده را شنیده اند و به مطالبات آنان پاسخ خواهند داد، طی دو روز گذشته به شدت به سرکوب، دستگیری و کشتار مردم روی آورده اند.

در چنین وضعیتی که هیئت حاکمه ایران تصمیم به سرکوبگری و کشتار مردم گرفته است، نخست حضور پررنگ طبقه کارگر در دست زدن به اعتصابات کارگری و نیز گسترش اعتراضات عمومی توده های وسیع مردم ایران از معلمان و دانشجویان گرفته تا زنان و مالباختگان در پیوستن به خیزش عمومی شهرهای مختلف کشور است، که راه کشتار و سرکوبگری بیشتر را بر نیروهای جنایتکار جمهوری اسلامی می بندد. گام بعدی، حمایت همه جانبه توده های مردم ایران از خانواده های دستگیرشدگان جهت آزادی بازداشت شدگان و همدلی آنان با خانواده های کشته شدگان و جانفشانان اعتراضات عمومی در روزهای اخیر است.

سازمان فدائیان (اقلیت) ضمن محکومیت و انزجار شدید از اقدامات جنایتکارانه جمهوری اسلامی در دستگیری و کشتار معترضین، خواهان آزادی فوری و بی قید و شرط بازداشت شدگان روزهای اخیر است.

"پاوه گویی های خامنه ای علیه توده های مردم ایران" عنوان دومین اطلاعیه است که در تاریخ ۱۲ دیماه ۱۳۹۶ منتشر شد. این اطلاعیه که در ارتباط با سخنان خامنه ای در "دیدار هفتگی او با خانواده شهدای جنگ" در روز سه شنبه ۱۲ دی صادر شده است، چنین آغاز می شود: در ششمین روز از اعتراضات همگانی مردم ایران، خامنه ای سکوت خود را شکست و در سخنانی نفرت انگیز مبارزات عمومی توده ها علیه فقر و بیکاری، دزدی و اختلاس، سرکوب، بی حقوقی و بیعدالتی حاکم بر جامعه را، یکسره وابسته به "دشمنان" ایران خواند.

رهبر جمهوری اسلامی در شرایطی این چنین به پاوه گویی نشسته است، که شعار "مرگ بر خامنه ای" طی چند روز گذشته در فضای ده ها شهر ایران طنین انداز شده است. اینگونه سخنان سخیف و مشتمل کننده خامنه ای، یادآور گزافه گویی های ارتشبد از هاری نخست وزیر حکومت نظامی رژیم مستبد شاه در دوران انقلاب ۵۷ است. از هاری در واکنش به توده های معترض که شعار "مرگ بر شاه" را در خیابان ها سر می دادند، می گفت، نوارهای مرگ بر شاه را در پشت بام ها گذاشته اند تا وانمود کنند که مردم مخالف شاه هستند. توده های میلیونی مردم ایران نیز روز بعد، با فریادهای کوبنده "مرگ بر شاه" جواب پاوه گویی های اظهاری را اینگونه دادند: "از هاری بیچاره، باز میگی نواره، نوار که پا نداره".

اطلاعیه، سپس با تاکید بر اینکه: "پاسخ توده های بپاخاسته و معترض، به اینگونه پاوه گویی های سخیف خامنه ای که توهینی آشکار به کارگران و توده های رنج دیده مردم ایران است، فقط و فقط در میدان مبارزه و با گسترش اعتراضات و اعتصابات عمومی میسر است"، اینچنین خاتمه می یابد: سازمان فدائیان (اقلیت) در این برهه حساس و تاریخی، برای وادار کردن رژیم به عقب نشینی و دادن پاسخی درخور به پاوه گویی های خامنه ای، شروع اعتصابات عمومی و به طور اخص اقدام و گسترش اعتصابات کارگری را یگانه راه حمایت عملی از خیزش عمومی توده های مردم ایران می داند.

"جان دستگیرشدگان اعتراضات اخیر در خطر است" عنوان سومین اطلاعیه سازمان است که در تاریخ ۱۴ دیماه ۱۳۹۶ انتشار یافت. این اطلاعیه با توجه به اعلام مواضع خامنه ای که جنبش توده های مردم را وابسته به "دشمن" خواند و سخنان فرمانده سپاه پاسداران که از خیزش انقلابی توده ها به عنوان "فتنه" یاد کرد و موضع رحمانی فضلی وزیر کشور کابینه روحانی که "تعامل و مدارای بالای نظام" را دلیل ادامه خیزش مردمی اعلام کرد، بر موضوع در خطر بودن جان دستگیرشدگان تاکید کرده است. اطلاعیه در فراز پایانی خود با مورد خطاب قرار دادن کارگران، مردم مبارز ایران و توده های بپا خاسته در حمایت از دستگیر شدگان این چنین خاتمه می یابد: مواضع اعلام شده روزهای اخیر مسئولان جنایتکار جمهوری اسلامی و به طور اخص سخنان رحمانی فضلی وزیر کشور که علت تداوم اعتراضات مردم ایران را "سطح تعامل و مدارای بالای نظام" دانسته است، تماماً گویای این است که جانینان جمهوری اسلامی برای ارباب توده های معترض، خیز برداشته اند. شکنجه های مرگ آفرین، اعتراف گیری های کذایی و پیامد آن اعدام تعدادی از دستگیرشدگان، جدی ترین خطری است که هم اینک انبوه بازداشت شدگان را تهدید می کند. به یاری آنان بشتابیم و با اعتراضات وسیع خود، دست در دست خانواده های دستگیرشدگان در هر مکانی که آنان بازداشت و زندانی هستند، مانع از هر گونه تعرض و اقدام جنایتکارانه جمهوری اسلامی علیه آنان شویم.

"تکرار فاجعه کهریزک، اینبار در زندان اوین" عنوان چهارمین اطلاعیه سازمان است که در ارتباط با جان باختن سینا قنبری در زندان به تاریخ ۱۸ دیماه ۱۳۹۶ انتشار یافته است. بخش هایی از این اطلاعیه را باهم دنبال می کنیم: سینا قنبری، یکی از بازداشت شدگان خیزش انقلابی جوانان و توده های مبارز و آزادی خواه توسط بازجویان جنایتکار جمهوری اسلامی در قرنطینه زندان اوین به قتل رسید. سینا قنبری جوان ۲۲ ساله، از جمله میلیون ها جوان بیکار و سرخورده ای بود که به دلیل حضور در اعتراضات خیابانی پر شور و گسترده جوانان و مردم آزادی خواه، توسط نیروی انتظامی بازداشت شد و چند روز پس از دستگیری زیر شکنجه به قتل رسید. امروز ۱۸ دی ماه، شکنجه گران اوین پس از چند روز سکوت، با سراسیمگی خبر جان باختن سینا قنبری را تحت عنوان "خودکشی" اعلام کردند.

به قتل رسیدن سینا جوان در شکنجه گاه اوین که از آن به عنوان قرنطینه نام برده می شود، یادآور کشته شدن محسن روح الامینی، امیر جواد فر، محمد کامرانی و رامین آقازاده قهرمانی در بازداشت گاه کهریزک است. جوانانی که در رویداد های پس از انتخابات فرمایشی ریاست جمهوری ۱۳۸۸، دستگیر و پس از انتقال به بازداشتگاه کهریزک، زیر شکنجه های مرگ آور آدمکشان جمهوری اسلامی جان خود را از دست دادند.

آدمکشان جمهوری اسلامی طی ۳۸ سال گذشته همواره نشان داده اند که برای منکوب کردن توده ها و ایجاد رعب و وحشت در جامعه، قبل از هر چیز به سر وقت زندانبانان و بازداشت شدگان می روند. بازداشت شدگان روزهای اخیر، اولین قربانیان اعمال جنون آمیز بازجویان شکنجه گر و سیستم قضایی فاسد جمهوری اسلامی هستند. به یاری آنان بشتابیم و برای آزادی آنان، دست به اقدامات اعتراض آمیز همه جانبه بزنیم. با خانواده های آنان در جلوی زندان ها و مکان های بازداشتی، برای آزادی بی قید و شرط آنان، همگام و هم صدا شویم.

اطلاعیه در فراز پایانی خود، (ضمن همدردی عمیق با خانواده سینا قنبری و دیگر دستگیرشدگان جان باخته اینچنین خاتمه می یابد: سازمان فدائیان (اقلیت)، ضمن محکومیت و اعلام تفر و انزجار عمیق از جنایات جمهوری اسلامی، خواهان آزادی فوری و بی قید و شرط همه بازداشت شدگان است.

اطلاعیه مشترک:

از مبارزات آزادی خواهانه مردم زحمتکش علیه نظم موجود حمایت کنیم

خواستار آزادی فوری و بی قید و شرط
بازداشت‌شدگان و تمام زندانیان سیاسی
هستیم.

گرامی باد یاد جانباختگان خیزش سراسری
مردم ایران

سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری
اسلامی

زنده باد آزادی - زنده باد سوسیالیسم
۲۰ دی ۱۳۹۶ (برابر با ۱۰ ژانویه
۲۰۱۸)

امضاها به ترتیب حروف الفبا:

- حزب کمونیست ایران

- سازمان راه کارگر

- سازمان فداییان (اقلیت)

- هسته اقلیت

آزادی، به رویارویی با رژیم سرمایه‌داران
و انگل‌های مفت‌خور برخاسته‌اند، جدا از
خواست‌های کارگران، معلمان و پرستاران
نیست.

ما از عموم کارگران و معلمان و دیگر
اقتدار زحمتکش دعوت می‌کنیم با روی‌آوری
به اعتراض و اعتصاب، جبهه‌ی اعتراض
علیه نظم موجود را تقویت کنند و این
اعتراضات را به مرحله‌ی عالی‌تری ارتقا
دهند.

ما مداخله‌گری قدرت‌های امپریالیستی به
کمک نیروهای اپوزیسیون بورژوازی جهت
به انحراف کشاندن این خیزش سراسری را
مانعی بر سر راه پیشروی و پیروزی این
جنبش می‌دانیم و بر این باوریم که تنها با
تکیه بر آگاهی و سازمان‌یابی جنبش
کارگری و جنبش به پا خاسته مردم رنج‌دیده
ایران می‌توان این موانع را برطرف کرد.
ما همچنین سرکوب و کشتار و بازداشت
اعتراض‌کنندگان را شدیداً محکوم می‌کنیم و

بیش از ۱۰ روز است خیابان‌های شهرهای
کوچک و بزرگ در سراسر کشور،
صحنه‌ی اعتراضات پرشور جوانان، زنان و
عموم توده‌های زحمتکشیست، که به پا
خاسته‌اند تا به وضعیت فلاکت‌باری که رژیم
جمهوری اسلامی به بار آورده، پایان بخشند.
مردم زحمتکش و آزادی‌خواه ایران با
خیزش‌های دلاورانه و تداوم اعتراضات
خیابانی خود نشان داده‌اند که از فقر و ستم و
بیکاری به ستوه آمده‌اند، علیه تبعیض و
گرانی و نابرابری به اعتراض برخاسته و
برای تأمین رفاه و آزادی و برابری، چنگ
در چنگ نظام حاکم و سران مستبد آن
افکنده‌اند.

رژیم ارتجاعی و ددمنش حاکم بر این خیال
است که با توسل به قوه‌ی قهر و سرکوب
خونین معترضان قادر است توده‌های مردم
را مرعوب سازد. نیروهای سرکوب رژیم
تاکنون بیش از ۲۰ نفر را به قتل رسانده و
نزدیک به ۲۰۰۰ تن را بازداشت و روانه
زندان ساخته‌اند. اما تداوم اعتراضات و
خیزش‌های خیابانی و شعارهای کوبنده مردم
زحمتکش، یکبار دیگر نشان می‌دهند که با
حربه سرکوب نمی‌توان توده‌های مردم
ناراضی را از صحنه اعتراض و مبارزه
حذف کرد. مادام که مردم ایران از چنگال
ظلم و ستم و بیداد رها نشده و به آزادی و
رفاه دست نیافته‌اند، مبارزه ادامه و تعمیق
بیش‌تری خواهد یافت. ادامه‌ی جنبش
اعتراضی جوانان، بیکاران، زحمتکشان و
تهیدستان جامعه، در پیوند با جنبش اعتصابی
کارگران، معلمان، پرستاران و سایر
زحمتکشان تعمیق بیش‌تری خواهد یافت و
مسیر براندازی قطعی تمام نظم موجود را
هموارتر خواهد ساخت.

مردم مبارز و آزادی‌خواه ایران

ما امضاکنندگان این بیانیه از خیزش انقلابی
شما علیه رژیم ارتجاعی حاکم و از تمام
مبارزات آزادی‌خواهانه و برابری‌طلبانه‌ی
شما قویاً حمایت می‌کنیم و امر خود را کمک
به تداوم این خیزش سراسری می‌دانیم.

ما بر این باوریم که خواست‌های جوانان،
بیکاران، زحمتکشان و تهیدستان و زنان
ستمکش ایران که با شعار "کار، نان و



رژیم جمهوری اسلامی را باید با یک اعتصاب عمومی سیاسی و قیام مسلحانه برانداخت

طبقه کارگر و خیزش توده های شهری



ونان و آزادی وارد عرصه نبرد و رویارویی با ارتجاع حاکم شده‌اند. میلیون‌ها کارگر بیکار و اخراجی که هر ساله بر تعداد آن‌ها افزوده می‌شود، صدها هزار جوان بیکار و جویای کار، میلیون‌ها حاشیه‌نشین و بی‌خانمان و تهیدستان و گرسنگان شهری، دانش‌آموزان بازمانده از تحصیل، دیپلمه‌ها و دانش‌آموختگانی که به دلیل فقر اقتصادی کماکان با والدین خود در یکجا زندگی می‌کنند و نمی‌توانند شغل مناسبی بدست آورند و زندگی مستقلی را پایه‌ریزی کنند، نیروی اصلی اعتراضات اخیر هستند که جملگی بخشی از طبقه کارگر محسوب می‌شوند. شعارهایی چون مرگ بر گرانی، و "لیسانسه‌ها بیکارند - آخوندها راس‌کارند" از نمونه شعارهایی است که موقعیت طبقاتی نیروهای اعتراض‌کننده را به روشنی بازتاب می‌دهند. به غیر از معدود شعارهای ارتجاعی و نژادپرستانه یا به طرفداری از خاندان رضاخان قلد، که البته در سطح بسیار محدودی سر داده شد و به فوریت از سوی مردم طرد شد و تلاش برخی گروهبندی‌های بورژوازی اپوزیسیون به منظور بزرگنمایی آن نیز بجایی نرسید، تقریباً تمام شعارها حول وحوش کار و نان و آزادی، علیه سران دزد و فریبکار رژیم، علیه جمهوری اسلامی و رهبر دیکتاتور آن علی‌خامنه‌ای بود. شعار بسیار برجسته و هوشیارانه "اصلاح‌طلب، اصول‌گرا - دیگه تمومه ماجرا" از همان آغاز نشان داد که این جنبش اعتراضی از جنس دیگری است و با آنچه که در سال ۷۸ و ۸۸ رخ داد زمین تا آسمان فاصله دارد. این مرزبندی روشن، جایی برای طرفداران ریزودرشت جناح‌های حکومتی و لایه‌های مرفه خردبورژوازی باقی نمی‌گذاشت. این جنبش با متمایز ساختن خط و مرزهای خود، نشان داد که فقط مستقل از جناح‌های حکومتی نیست، بلکه علیه آن‌ها نیز هست. جنبشی‌ست که خواهان تعیین تکلیف نهایی با تمامیت رژیم است. جنبش فقیرترین اقشار و تهیدستان، جنبش فرودستانی‌ست که در پایین‌ترین سطح معیشتی بسر می‌برند. در یک کلام از نظر طبقاتی، این جنبش در اساس جنبش اعتراضی لایه‌ها و بخش‌هایی از طبقه کارگر و لذا همدست این طبقه است. با این همه، برخی محافل بورژوا امپریالیستی و پادوان آن‌ها که بورژوازی از نوع "صنعتی" و "تولیدی" اش را مرکز تحولات جامعه می‌دانند و مدعی‌اند که طبقه کارگر نمی‌تواند - و نباید - نقشی در

تحولات آتی ایفا کند، با ژستی حقیقه‌گرا می‌گویند؛ دیدید کارگران در این خیزش‌های چند روزه به اعتراضات نپیوستند! و بعد هم آن را حجتی بر محق بودن بورژوازی برای ایجاد یک نظام پارلمانتاریستی قلمداد می‌کنند. این‌ها که اساساً مدافع نظم موجودند و از انقلابی که طبقه کارگر در راس آن باشد وحشت دارند و از حکومتی که اداره امور آن در دست شوراهای کارگران و زحمتکشان قرار بگیرد فوق‌العاده می‌ترسند، تمام تلاش‌شان این است که تحولات جامعه در دایره نظم موجود باقی بماند و بساط استعمار گریب بدون ولی‌فقیه یا حکومت مذهبی بردوام باشد.

در پاسخ به این مدافعان و توجیه‌گران نظم موجود که با تمام وجود در برابر طبقه کارگر ایستاده و با هرگونه تحولی با محوریت طبقه کارگر مخالفت می‌کنند باید گفت؛ اولاً کارگران ایران طی دو سه سال اخیر علاوه بر آن‌که در هزاران مورد در شکل اعتصاب و تجمع دست به اعتراض زده‌اند، ده‌ها بار نیز وارد خیابان‌ها شده و دست به راهپیمایی و تظاهرات زده‌اند. تظاهرات و راهپیمایی‌های مکرر کارگران هپکو، کارگران آذرب، کارگران نی‌شکر هفت‌تپه، کارگران شرکت‌واحد، کارگران حمل‌ونقل، کارگران روغن‌نیابتی و ده‌ها نمونه دیگر، حاکی از پیشقراول بودن کارگران در اعتراضات خیابانی و حاکی از آن است که کارگران شاغل نیز با پیروی از قانون‌مندی و منطق مبارزه خود، هر زمان لازم باشد در شکل تظاهرات و راهپیمایی نیز دست به اعتراض می‌زنند و با پرچم‌ها و پلاکاردهای خود، وارد خیابان می‌شوند. البته در نظام‌های دیکتاتوری از نوع جمهوری اسلامی ایران، از آن‌جا که کارگران فاقد تشکلهای مستقل و طبقاتی خویش‌اند، نمی‌توانند مانند کارگران در کشورهایی که

متشکل هستند عمل کنند و به فرض با فراخوان احزاب و اتحادیه‌ها وارد مبارزه یا اعتراض خیابانی شوند. از این رو در شرایط فعلی و مادام که جنبش به مرحله عالی‌تری گذر نکرده باشد و وارد اعتلای پدیده نشده باشد، کارگران نمی‌توانند چرخ تولید و محیط کار را رها کنند و مانند بیکاران، دانشجویان، مالباختگان و امثال آن، یک روز به اعتراض خیابانی به پیوندند و روز بعد پای چرخ تولید حاضر شوند.

طبقه کارگر از قانون‌مندی مبارزه مستقل خودش پیروی می‌کند که بر وضعیت عینی جامعه منطبق است. در ادامه اعتراضات و با اعتلاء بیشتر جنبش، و انجام یک رشته اعتصابات اقتصادی و سیاسی، قطعاً طبقه کارگر پاسخ خودش را خواهد داشت و اعتصاب عمومی با خصلت سیاسی را سازمان خواهد داد. تمام تجارب جنبش‌های طبقاتی کارگران حاکی از آن است که طبقه کارگر در شرایطی به اعتصابات وسیع و اعتصاب عمومی سیاسی روی می‌آورد که جنبش به مرحله عالی از رشد و اعتلاء وارد شده باشد. تعمیق و گسترش و پیشرفت جنبش اعتراضی کنونی نیز اتفاقاً در گرو پیوند خوردن آن با جنبش اعتصابی کارگران و معلمان و سایر زحمتکشان است. پوشیده نیست که اگر جنبش اعتراضی در چارچوب تظاهرات و راهپیمایی و یا حتی فراتر از آن، جنگ و گریز خیابانی محصور و محدود بماند، قدرت ایستادگی آن در برابر نیروهای مسلح سازمان‌یافته رژیم محدود می‌شود و ممکن است مجبور به عقب‌نشینی شود. برای مقابله با رژیم دیکتاتوری جمهوری اسلامی و سرنگونی رژیمی که تا به دندان مسلح است، جنبش اعتراضی توده‌ای به تنهایی کافی نیست، بلکه به اشکال عالی‌تری از مبارزه مانند اعتصاب عمومی سیاسی نیاز

طبقه کارگر و خیزش توده های شهری

هست. همین اعتصابات جاری در کارخانه‌ها، موسسات و رشته‌های مختلف است که با اعتلاء بیشتر جنبش، راه را برای اعتصاب عمومی سیاسی می‌گشاید. با اعتصاب عمومی سیاسی‌ست که نظم اقتصادی حاکم مختل می‌شود، کارایی نیروهای سرکوب کاهش می‌یابد و شرایط برای وارد آوردن ضربه نهایی از طریق قیام مسلحانه و سرنگونی طبقه حاکم فراهم می‌گردد.

ثانیا به تمام طیف نیروهای بورژوازی و جناح‌های بورژوازی باید یادآوری کرد که به کوری چشم آن‌ها و دنبالمروندگان رنگارنگشان، طبقه کارگر و جنبش کارگری نه فقط طی سالیان اخیر یگانه طبقه و یگانه جنبش فعال در عرصه مبارزه بوده است، بلکه همواره از جنبش‌های اعتراضی زحمتکشان نیز حمایت کرده است. در جریان اعتراضات توده‌ای اخیر نیز سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه و سندیکای کارگران شرکت کشت‌و صنعت نیشکر هفت‌تپه، در اطلاعیه مشترکی با عنوان "با مردم به جان آمده خشونت نکنید" ضمن حمایت از اعتراضات مردم، رژیم را از برخورد خشونت‌آمیز با اعتراض‌کنندگان برحذر داشتند. تشکل‌های فعالان کارگری نیز با صدور اطلاعیه از این جنبش حمایت کردند. "جمعی از فعالین کارگری شرکت نیشکر هفت‌تپه" حتی پا را از این هم فراتر گذاشته با صدور اطلاعیه‌ای در تاریخ ۱۵ دی ماه ۹۶ با عنوان "فریاد بزنیم: نان، کار، آزادی" که در کانال تلگرام سندیکای کارگران نیشکر هفت‌تپه درج شد، ضمن ابراز همبستگی با اعتراض‌های سراسری و حمایت از آن، از تمام "اصناف و سندیکاها و جوامع کارگری" دعوت بعمل آورد با سر دادن شعار "نان، کار و آزادی" در اعتراضات و تظاهرات خیابانی شرکت کنند.

حمایت کارگران و تشکل‌های کارگری از جنبش اعتراضی سراسری امری بدیهی‌ست. چرا که بسیاری از اعتراض‌کنندگان، فرزندان همین کارگران‌اند، فرزندان و بستگان زحمتکشان و خود کارگران بیکاری هستند که از فقر و ستم و بیکاری به ستوه آمده‌اند، بر سینه انواع "اصلاح‌طلبان" و



بگیرند و راه انقلاب و دگرگونی بنیادی جامعه را مسدود سازند. جمهوری اسلامی اما رفتنی‌ست و باید برود. جمهوری اسلامی ولو آن‌که با اعمال قهر و خشونت و سرکوب، جنبش اعتراضی کنونی را عقب براند، اما این فقط پایان یک مرحله و سرآغاز مرحله جدیدی از اعتراضات و مبارزات توده‌ای خواهد بود. چرا که مبارزه توده‌ها برای کار و نان و آزادی و مبارزه برای برچیدن تمام نظم موجود، به امری اجتناب‌ناپذیر تبدیل شده است و لاجرم جنبش اعتراضی توده‌ای با هر سرکوب، نیرومندتر سربلند خواهد کرد!

اعتدالیون" و محافظان نظم موجود دست زدند و با شعار کار و نان و آزادی، وارد عرصه نبرد با ارتجاع و طبقه حاکم شده‌اند. رژیم جمهوری اسلامی و جناح‌های آن بدانند که در این کارزار مبارزاتی، طبقه کارگر همراه و همدست زحمتکشان و جنبش تهیدستان است. بی‌پرده نیست که "اصلاح طلبان" رنگارگ و تمام جناح‌های حکومتی علیه این جنبش به صف شده‌اند و رژیم، تمام نیروی سرکوب خود را به فرمان خامنه‌ای به میدان آورده است.

بگذار مرتجعین حاکم از خیزش توده‌های به جان آمده بر خود بلرزند و بر این خیال واهی باشند که با قهر و سرکوب می‌توانند راه پیشرفت مبارزات توده‌های ناراضی مردم را

پیش به سوی تشکیل حزب طبقه کارگر

طبقه کارگر و خیزش توده های شهری

برای ارتباط با **سازمان فدائیان (اقلیت)** نامه های خود را به یکی از آدرس های زیر ارسال نمایند.

دانمارک:

I . S . F
P . B . 398
1500 Copenhagen V
Denmark

سوئیس:

Sepehri
Postfach 410
4410 Liestal
Switzerland

هلند:

Postbus 23135
1100 DP
Amsterdam Z.O
Holland

کمک های مالی خود را به شماره حساب بانکی زیر واریز و رسید آن را به همراه کد مورد نظر به یکی از آدرس های سازمان ارسال کنید.
شماره حساب:

Gironummer 2492097

نام صاحب حساب : Stichting ICDR

IBAN:
NL08INGB0002492097
BIC: INGBNL2A
Amsterdam, Holland

نشانی ما بر روی اینترنت:

<http://www.fadaian-minority.org>

پست الکترونیک E-Mail:

info@fadaian-minority.org

ای میل تماس با نشریه کار:

kar@fadaian-minority.org

KAR Organization
Of Fadaian (Aghaliyat)
No 757 January 2018

این طبقه را به لرزه انداخت، یکبار دیگر این حقیقت را نشان داد که در کشور استبدادزده ایران و در تحت حاکمیت یک رژیم دیکتاتوری عربیان، خواست های اقتصادی و معیشتی توده های مردم، جدا از خواست های سیاسی نیست. اعتراض علیه گرانی و مبارزه حتا برای ابتدای ترین خواست ها، از مبارزه علیه تمامیت رژیم ارتجاعی حاکم جدانپذیر است. هر خواست و مبارزه اقتصادی چنانکه تجارب مبارزات قبلی نیز بر آن صحنه می نهد به سرعت به خواست و مبارزه سیاسی گره می خورد و یا به آن ارتقاء می یابد.

خیزش های توده های اخیر اما تمام تجارب و ظرفیت های مبارزاتی پیشین را پشت سر گذاشت و چه به لحاظ گستردگی و شعارها، چه از نظر ترکیب طبقاتی با نمونه های سال های گذشته از جمله سال ۸۸، بکلی متفاوت است. فقیرترین اقشار جامعه، نیروی اصلی اعتراض اند. کسانی که از فقر و بیکاری و گرسنگی، از تبعیض و ستم و نابرابری به تنگ آمده اند و با پرچم کار

در صفحه ۸

خیزش های توده های اخیر در شهرهای مختلف کشور، یکبار دیگر نشان داد که با تشدید تضادهای طبقاتی و در شرایطی که کارد به استخوان مردم رسیده و جامعه آبنتن رویدادهای زیور و روکننده است، توده های زحمتکش و ستم کشیده و انبوه جوانان، بیکاران، جویندگان کار و گرسنگان و تهیدستان با چه سرعت شگفت انگیزی بپا می خیزند و اراده خود برای دگرگونی و تغییر وضع موجود را به نمایش می گذارند. هفت دی در مشهد جرقه های زده شد و اعتراضی با شعار علیه گرانی آغاز شد. این اعتراض اما به سرعت برق و باد تمام شهرهای کوچک و بزرگ کشور را فرا گرفت. خیزش توده های دی ماه اگرچه با سرعت فوق انظاری سراسری شد، اما البته که بی زمینه نبود. تنگناهای کشنده معیشتی، فشارهای اقتصادی و سیاسی تلمبار شده برگرد زحمتکشان، انبار باروت قابل انفجاری بود که با یک کبریت شعله ور می شد و مشهد این کبریت را کشید! خیزش ها و مبارزات ده روزهای که زمین زیر پای طبقه حاکم و رژیم سیاسی حافظ منافع



تلویزیون دمکراسی شورایی

فریاد رسای کارگران و تمامی انسان های زحمتکش، شریف و ستم دیده ای است که برای آزادی و سوسیالیسم بیکار می کنند

بدینوسیله به اطلاع علاقمندان تلویزیون دمکراسی شورایی می رسانیم که :
برنامه های تلویزیون دمکراسی شورایی روی شبکه ۲۴ ساعته تلویزیون "دیدگاه" از اول ژوئن ۲۰۱۷ برابر با ۱۱ خرداد ۱۳۹۶ به جای ماهواره هات برد مجددا از ماهواره یاه ست پخش می شود.

مشخصات ماهواره :

ماهواره یاه ست Satellite Yahsat
فرکانس ۱۱۷۶۶ Frequency
عمودی Polarization Vertical
سیمبل ریت ۲۷۵۰۰ Symbol rate
اف ای سی ۵ / ۶ FEC

ساعت پخش برنامه های تلویزیون دمکراسی شورایی :

چهارشنبه ها ساعت نه و نیم شب به وقت ایران

(ساعت ده صبح به وقت لس آنجلس و هفت عصر به وقت اروپای مرکزی)

پنجشنبه این برنامه : روز پنجشنبه نه و نیم صبح به وقت ایران

(ده شب پنجشنبه به وقت لس آنجلس و هفت صبح پنجشنبه به وقت اروپای مرکزی)

اینترنت :

در صورت عدم دسترسی به تلویزیون ماهواره ای ، میتونید از طریق اینترنت نیز برنامه های تلویزیون دمکراسی شورایی را مشاهده کنید .

۱- بطور زنده در ساعات ذکر شده ، در سایت تلویزیون دیدگاه و شبکه رسانه ای " جی . ال . ویز "

www.didgah.tv

www.glwiz.com

۲- به صورت آرشیو ، در سایت سازمان فداییان - اقلیت :

<http://www.fadaian-aghaliyat.org/>

<https://tvshora.com/>

ساعت و زمان برنامه را به خاطر بسپارید و به اطلاع دوستان و آشنایان خود برسانید.

توجه : بینندگان عزیز تلویزیون دمکراسی شورایی جهت اطلاع ؛ سالی دو بار - در پائیز و بهار - بطور ناهمزمان در ایران ، اروپا و امریکای شمالی ساعات تغییر می کنند که البته هر بار پس از چند هفته ، ساعات این سه منطقه یکسان می شوند.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورایی